

از «وزارت دفاع»  
تا «وزارت جنگ»

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با یک امضا دستور داده است که پنتاگون به «وزارت جنگ» تغییر نام دهد. این اقدامی نمایشی است، اما باعث می‌شود آمریکا ضعیف‌تر به نظر برسد، نه قوی‌تر. او استدلال کرد که آمریکا «در جنگ جهانی اول و دوم» تحت نام قدیمی پیروز شد. اما دقیقاً همین دیدگاه است که متحدان را نگران و دشمنان را جسورتر می‌کند: این دیدگاه نشان می‌دهد که واشنگتن خود را با جنگیدن تعریف می‌کند، نه با جلوگیری از آن.

وزارت جنگ نهادی محدود بود که بیش از هفتاد و پنج سال پیش به دلیل ناکافی بودن برای مسئولیت‌های جهانی آمریکا منحل شد. در زمانی که آمریکا با چالش‌های دفاعی واقعی روبه‌روست؛ از نوسازی زرادخانه هسته‌ای خود گرفته تا بازدارندگی در برابر روسیه و چین، تغییر نام پنتاگون یک اقدام انحرافی است.

وزارت جنگ که در سال ۱۷۸۹ ایجاد شد، نهادی با دامنه اختیارات محدود بود. این وزارتخانه تنها بر ارتش (شامل آنچه آن زمان «نیروی هوایی ارتش» نامیده می‌شد) نظارت داشت. نیروی دریایی، وزارتخانه خود را در سطح کابینه داشت، سپاه تفنگداران دریایی زیرمجموعه آن بود و نیروی هوایی به عنوان یک نیروی مستقل هنوز وجود نداشت. آنچه آمریکایی‌ها امروز «پنتاگون» می‌نامند نهادی کاملاً متفاوت است.

در پی جنگ جهانی دوم، رهبران آمریکا دریافتند که این ساختار کارآمد نیست. جنگ مدرن نیازمند فرماندهی یکپارچه در زمین، دریا و هوا و همچنین آمادگی دائمی در عصر سلاح‌های هسته‌ای بود. «قانون امنیت ملی ۱۹۴۷»، سمت وزیر دفاع را برای هماهنگی نیروها ایجاد کرد و در سال ۱۹۴۹، کنگره این نهاد را رسماً به «وزارت دفاع» تغییر نام داد.

این یک تغییر ظاهری نبود. رهبرانی که از این تغییر حمایت کردند — جورج مارشال، دویات آیزنهاور و جیمز فارستال — آمریکا را در بزرگترین درگیری‌ای که جهان به خود دیده بود، هدایت کرده بودند. آن‌ها به سادگی از جنگ‌سخن نمی‌گفتند. تصمیم آن‌ها منعکس‌کننده درس‌های به‌سختی آموخته‌شده بود: اینکه قدرت آمریکا باید برای چیزی فراتر از درگیری‌های مقطعی سازماندهی شود و اینکه قدرت نظامی باید در یک استراتژی گسترده‌تر بازدارندگی و اتحادها ادغام گردد.

در آن زمان، کلمات اهمیت داشتند. واژه «جنگ» به یک وزارتخانه واکنشی اشاره داشت که به طور متناوب و تنها با شروع درگیری‌ها بسیج می‌شد. اما واژه «دفاع» منعکس‌کننده واقعیت نقش جدید آمریکا بود: یک ضامن دائمی امنیت.

کلمات امروز نیز اهمیت دارند. متحدان آمریکا از برچسب «جنگ» اجتناب می‌کنند؛ مانند وزارت دفاع بریتانیا، وزارت نیروهای مسلح فرانسه، وزارت دفاع ملی کانادا و وزارت دفاع ایتالیا. دشمنان آمریکا نیز همین کار را می‌کنند: از وزارت دفاع ملی چین و وزارت دفاع روسیه گرفته تا وزارت دفاع ملی کره شمالی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ایران.

این انتخاب‌ها به هیچ وجه ظاهری نیستند: آن‌ها برداشت‌ها از اعتبار، اطمینان‌بخشی و بازدارندگی را شکل می‌دهند، به‌ویژه برای متحدانی که به تضمین‌های امنیتی آمریکا وابسته هستند. در هر دو سیستم دموکراتیک و اقتدارگرا، دولت‌ها اهمیت ارائه نیروهای مسلح خود به عنوان ابزارهای حفاظت، و نه ماشین‌های فتح و پیروزی را درک می‌کنند. در واقع، از سال ۱۹۴۵، منشور سازمان ملل رسماً جنگ را به عنوان ابزاری مشروع در کشورداری منسوخ کرده است. حرکت واشنگتن در جهت مخالف، نه نشانه قدرت، بلکه نشانه ضعف خواهد بود.

به همین دلیل، انتخاب سال ۱۹۴۹ وزن سیاسی داشت. در داخل، آمریکایی‌ها نسبت به وجود یک وزارت «جنگ» دائمی محتاط بودند. در سطح بین‌المللی، آمریکا خود را به عنوان یک نیروی ثبات‌بخش، در حال ساختن ناتو و حامی منشور سازمان ملل معرفی می‌کرد. معرفی پنتاگون به عنوان نهادی متمایل به «دفاع» هم برای اعتبار و هم برای اطمینان‌بخشی ضروری بود.

لغو این انتخاب اکنون پیامدهای فوری در پی دارد. برخی متحدان، این تغییر را به عنوان رویگردانی آمریکا از دفاع جمعی به‌سوی نبرد یک‌جانبه تفسیر خواهند کرد، درحالی که دیگران، جدیت و قضاوت واشنگتن در مقابله با چالش‌های امنیتی واقعی که با هم روبه‌رو هستند را زیر سؤال خواهند برد. رقبا آن را تأییدی بر روایت خود از نیت تهاجمی آمریکا خواهند خواند. این اقدام حتی یک پیروزی تبلیغاتی آسان را در اختیار دشمنان آمریکا قرار می‌دهد و به آن‌ها اجازه می‌دهد واشنگتن را به جای یک محافظ، یک نیروی تهاجمی نشان دهند.



محمدحسین لطفالهی

خبرنگار بین‌الملل

آمریکایی‌ها تهدید ونزوئلا را با استقرار ناوهای رزمی خود در بخش‌های جنوبی دریای کارائیب آغاز کردند. سپس، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده صبح روز ۲ سپتامبر از حمله به قایقی خبر داد که به گفته او حرکت خود را از ونزوئلا به مقصد آمریکا آغاز کرده و حامل مواد مخدر بود. هنوز به‌طور کامل روشن نیست که واشنگتن چه برنامه‌ای برای ونزوئلا دارد، اما شواهد نشان می‌دهد که آنچه در حال وقوع است، بسیار فراتر از مبارزه با قاچاقچیان یا کارتل‌های مواد مخدر است.

از زمان بازگشت ترامپ به کاخ سفید در ژانویه ۲۰۲۵، دولت آمریکا بارها از مقابله با کارتل‌های مواد مخدر در آمریکای لاتین خبر داده و تلاش کرده تا دولت ونزوئلا را مهم‌ترین تهدید علیه آمریکا در زمینه قاچاق مواد مخدر نشان دهد. اواخر جولای، رئیس‌جمهور آمریکا به طور محرمانه فرمانی را امضا کرد که به پنتاگون اجازه می‌داد برای مقابله با کارتل‌های مواد مخدر و گروه‌هایی در آمریکای لاتین که از نگاه دولت ایالات متحده «تروریستی» به حساب می‌آیند، از نیروی نظامی استفاده کند. بر اساس همین فرمان، در هفته‌های اخیر ایالات متحده تحرکات خود را در دریای کارائیب افزایش داده و اخیراً تعدادی از ناوها و زیردریایی‌های خود را به بهانه مبارزه با قاچاق مواد مخدر در نزدیکی آب‌های ساحلی ونزوئلا مستقر کرده است.

قابل پیش‌بینی بود که این اقدام به اوج‌گیری تنش‌ها میان واشنگتن و کاراکاس منجر می‌شود. روز سه‌شنبه ۲ سپتامبر، آمریکایی‌ها یک قایق تندرو را هدف قرار داده و سرنشینان آن را که مدعی بودند از اعضای کارتل «ترن د آراگوئا» هستند، به قتل رساندند. پیت هگست، وزیر دفاع ایالات متحده نیز در اظهارنظری تهدیدآمیز اعلام کرد که اقدامات آمریکا به همین حمله محدود نخواهد شد. واکنش ونزوئلایی‌ها نشان داد که هشدارها در باره احتمال بروز درگیری نظامی میان ایالات متحده و ونزوئلا در پی سیاست‌ها و اقدامات تحریک‌آمیز دولت ترامپ، بی‌علت نیست.

دو فروند جنگنده اف ۱۶ ارتش ونزوئلا روز پنجشنبه ۴ سپتامبر به ناوگان آمریکایی مستقر در دریای کارائیب نزدیک شدند تا به گفته مقام‌های ارشد کاراکاس نشان دهند که «هیچ اقدامی علیه ونزوئلا بی‌پاسخ نخواهد ماند.» در پاسخ، پنتاگون ۱۰ فروند جنگنده اف ۳۵ را به پورتوریکو اعزام کرد تا جلوی نزدیک شدن جنگنده‌های ونزوئلایی به ناوگان آمریکا را بگیرد.

## ▼ اعزام نیروی نظامی آمریکا با چه بهانه‌ای صورت گرفت؟

دولت ترامپ، گروه‌های درگیر در قاچاق مواد مخدر را به عنوان گروه تروریستی شناسایی کرده و با فرمانی که ترامپ در اواخر ماه جولای امضا کرد، استفاده از ارتش و نیروهای نظامی ایالات متحده برای حمله به این گروه‌ها را مجاز دانست.

همزمان، وزارت خزانه‌داری آمریکا با صدور بیانیه‌ای مدعی شد که نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا رهبری کارتلی به نام «خورشیدها» را بر عهده دارد و از دولت ونزوئلا به عنوان تهدیدی جدی علیه امنیت ملی ایالات متحده نام برد. روز ۷ آگوست نیز آمریکایی‌ها جایزه‌ای ۵۰ میلیون دلاری برای بازداشت مادورو تعیین کردند.

خیلی زود، پنتاگون روند اعزام نیروی نظامی به بخش‌های جنوبی دریای کارائیب را آغاز کرد و مدعی شد که این اقدام با هدف رصد دقیق تر قاچاقچیان و هدف قرار دادن آن‌ها در صورت لزوم صورت می‌گیرد. در گذشته، پلیس محلی و گشت‌های دریایی برای حمله به موارد این چنینی و جلوگیری از ورود کالای قاچاق و مواد مخدر به ایالات متحده مورد استفاده قرار می‌گرفتند اما این بار آمریکا تصمیم گرفته تا از ارتش خود برای این منظور استفاده کند.

## ▼ چه تعداد نیرو به دریای کارائیب اعزام شده‌اند؟

نیروهای مسلح آمریکا تاکنون هشت ناو جنگی، چندین هواپیمای شناسایی A-۸P متعلق به نیروی دریایی و یک فروند زیردریایی تهاجمی به این منطقه اعزام کرده‌اند.

مقام‌های پنتاگون گفته‌اند «گروه آبی-خاکی ایوو جیما» به دریای کارائیب اعزام شده است. این گروه شامل کشتی‌های «یواس‌اس سن آنتونیو»، «یواس‌اس ایوو جیما» و «یواس‌اس فورت لادریدل» به همراه ۴۵۰۰ ملوان است. همچنین «یگان ۲۲ اعزامی تفنگداران دریایی» با ۲۲۰۰ تفنگدار دریایی در این منطقه حضور دارد. کشتی «ایوو جیما» به جت‌های تهاجمی AV-۸B Harrier مجهز است. از طرفی، دو فروند ناوشکن موشک‌انداز نیروی دریایی «یواس‌اس جیسون دانم» و «یواس‌اس گریولی» — در جنوب دریای کارائیب در حال عملیات هستند. هر دو کشتی جنگی اخیراً در کارزار علیه شبه‌نظامیان حوثی در دریای سرخ مشارکت داشتند. به گفته یک مقام نیروی

دریایی، ممکن است ناوشکن سومی به نام «یواس‌اس سمپسون» که اکنون در شرق اقیانوس آرام حضور دارد، به زودی به این نیروها بپیوندد.

این ناوها از کلاس ناوشکن‌های موشک‌انداز «آرلی برک» هستند و به بیش از ۹۰ موشک، از جمله موشک‌های سطح‌به‌هوا، مجهز هستند. این ناوشکن‌ها می‌توانند عملیات جنگی ضدهوایی و ضدزیردریایی انجام دهند و موشک‌های بالستیک را رهگیری و ساقط کنند.

علاوه بر این، رزمناو موشک‌انداز «یواس‌اس لیک ایری» و کشتی رزمی ساحلی «مینیاپولیس-سنت پال» نیز در دریای کارائیب در حال عملیات هستند.

## ▼ واکنش ونزوئلا به حضور نظامیان آمریکایی در دریای کارائیب چه بود؟

مادورو هشدار داده که با هر اقدامی علیه ونزوئلا مقابله خواهد کرد و می‌گوید مارکو روبیو تلاش دارد پای ترامپ را به جنگی باز کند که آبرو و اعتبار او را از بین خواهد برد. او هفته گذشته در یک سخنرانی خطاب به ترامپ اعلام کرد: «آقای رئیس‌جمهور، دونالد ترامپ، مراقب باش! روبیو می‌خواهد دست تو را به خون آلوده کند.»

کاراکاس حضور ناوگان آمریکا در نزدیکی آب‌های ساحلی ونزوئلا را «بزرگترین تهدید علیه آمریکای لاتین طی ۱۰۰ سال اخیر» توصیف کرده و آن را مقدمه‌ای برای تغییر رژیم سیاسی در ونزوئلا می‌داند.

دولت مادورو علاوه بر اعلام آماده‌باش کامل به نیروهای نظامی و استقرار بخش عمده‌ای از نیروهای نظامی خود در مناطق شمالی این کشور، اعلام کرده که بیش از ۴/۵ میلیون نفر از حامیان دولت ونزوئل مسلح شده و در کل کشور مستقر خواهند شد تا جلوی دستیابی آمریکا به اهدافش را بگیرند.

▼ هدف واقعی آمریکا از نظامی‌سازی کارائیب چیست؟  
معرفی «مبارزه با کارتل‌های مواد مخدر» به عنوان هدف اصلی استقرار ناوگان بزرگ آمریکا در بخش‌های جنوبی

## پشت‌پرده لشکر

## ایالات متحده چه هدفی را از استقرار ناوگان خود در ج

دریای کارائیب بیشتر به یک شوخی شبیه است.

ناوشکن‌ها، موشک‌های تهاجمی که بر روی ناوشکن‌ها نصب شده‌اند و تعداد بالای پرسنل نظامی اعزام شده به منطقه نمی‌توانند تنها برای مقابله با قایق‌های کوچک کارتل‌ها اعزام شده باشند.

نشریه فارن پالیسی در مقاله‌ای، هدف دولت ترامپ را «رژیم چنج» یا تغییر نظام سیاسی در ونزوئلا توصیف کرده و نوشته است که تغییر نظام سیاسی از سال ۲۰۱۷ هدف دولت ترامپ بوده است: «تغییر رژیم در ونزوئلا، اگر نگوییم هدف خود ترامپ، دست‌کم هدفی دیرینه برای اطرافیان او بوده است. در دور اول ریاست‌جمهوری ترامپ، ایالات متحده قاطعانه از تلاش خوان گویایدو برای رسیدن به ریاست‌جمهوری ونزوئلا حمایت کرد. تنش‌ها در سال ۲۰۱۹ تقریباً تا آستانه جنگ بالا گرفت، اما ترامپ در نهایت عقب‌نشینی کرد؛ احتمالاً چون دریافته بود که یک جنگ تمام‌عیار در ونزوئلا تا چه حد در داخل کشور، حتی در میان بسیاری از حامیان خود او که مخالف مداخله نظامی بودند، نامحبوب خواهد بود.»

به نوشته این نشریه، با این وجود، دولت ترامپ تحریم‌های اقتصادی ویرانگری را، از جمله بر صنعت نفت ونزوئلا، به اجرا گذاشت؛ علی‌رغم هشدارهای واضح مبنی بر اینکه این کار، بحران پناهجویان ونزوئلایی را در سراسر نیمکره غربی تشدید خواهد کرد. چنین جریان‌های عظیمی از پناهجویان ونزوئلایی در عمل نیز به وقوع پیوست، ظرفیت بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین را برای میزبانی از آن‌ها در هم شکست و باعث شد بسیاری از ونزوئلایی‌ها راهی ایالات متحده شوند. به این ترتیب، سیاست تحریمی سختگیرانه دولت اول ترامپ، سهواً به هموار شدن راه برای روی کار آمدن دولت دوم او کمک کرد، زیرا مهاجرت گسترده ونزوئلایی‌ها نقش زیادی در ایجاد تصور وجود یک بحران مرزی داشت؛ بحرانی که ترامپ با موج‌سواری بر روی آن توانست به کاخ سفید بازگردد.

بسیاری از ناظران، نقش مارکو روبیو در تخریب

